

مرگ نجاتگر کوچک آتش سوزی مدرسه کانکسی دزفول

یکی از مصدومان حادثه آتش سوزی کانکس معلمان سردشت دزفول شامگاه دوشنبه بر اثر شدت جراحات وارده درگذشت.

کودک جانباخته از اهالی منطقه بوده که برای کمک به سه معلم محبوس در آتش اقدام کرده بود.

بر اساس این گزارش همچنان یکی از مجروحان که از معلمان حادثه دیده است، در بیمارستان اصفهان و چهار نفر دیگر در بیمارستان طالقانی اهواز در حال درمان هستند. همچنین طبق اظهارات مصدومان بعد از وقوع آتش سوزی، اهالی برای کمک به سمت کانکس رفتند و این سه نفر در این کمک به معلمان دچار سوختگی شدند. مدرسه کانکسی که در این منطقه برپا بوده، در مقطع ابتدایی فعالیت داشته، این در حالی است که سه آسیب دیده نوجوان هستند و محصل این مدرسه نبودند. دو نفر از آسیب دیدگان قریب به چهار سال پیش و دیگری تا سال پیش مشغول به تحصیل بودند و مشخصات شان در سامانه دانش آموزان در حال تحصیل ثبت نشده است. مدرسه کانکسی منطقه کنگلستان سردشت با پنج دانش آموز برای چهار خانوار مشغول به فعالیت بوده، در صورتی که در روستای نزدیک به این منطقه یک مدرسه آجری ساخته شده وجود دارد، اما به خاطر برخی از مسائل از جمله ارایه خدمات آموزشی در تمام مناطق مدرسه ای با یک کانکس و یک نیرو نیز در کنگلستان دایر شده است.

پلیس مانع حادثه تلخ مترو شد

هوشمندی و سرعت عمل پلیس مانع از یک حادثه دلخراش شد. مأموران کلانتری وردآورد از واژگونی قطار کرج-تهران جلوگیری کردند. آنها سارق پیچ و مهره های ریل مترو را به دام انداختند.

روز دوشنبه عاملان گشت نامحسوس کلانتری وردآورد مردی را در حین سرقت پابند و پیچ و مهره ریل مترو مشاهده می کنند. با توجه به وجود خطرات احتمالی برای قطار، پیش از اقدام به دستگیری سارق در اقدامی هوشمندانه عوامل تعمیرات و مدیر خط مترو به سرعت در جریان قرار می گیرند.

با توجه به احتمال واژگونی قطار، بلافاصله اقدامات فنی لازم توسط عوامل مترو انجام و خط اصلی کرج به تهران ترمیم می شود. در عملیات پلیسی نیز سارق دستگیر و از داخل کوله پشتی همراه او تعداد زیادی بست های فلزی نگه دارنده ریل کشف می شود. در بررسی های دقیق تر مشخص شد متهم دارای هشت سرقت است و برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی معرفی شد.

جانشین پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: «سرقت این متهم عملی خطرناک بود و ممکن بود باعث خروج قطار از ریل و حادثه سازی برای شهروندان شود که هوشمندی و سرعت عمل پلیس موجب پیشگیری از یک حادثه دلخراش شد.»

افتتاح یک شرکت با ۷ کلاهبردار

[شهرود] هفت عضو یک باند هفت تهبکار با افتتاح دفتر فروش اقساطی خودرو از خریداران کلاهبرداری کردند. کارآگاهان اداره چهاردهم پلیس آگاهی پایتخت، در رصد اطلاعاتی متوجه فعالیت غیرمجاز شرکتی در سایت های آگهی اینترنتی شدند که فروش اقساطی خودرو را تبلیغ می کردند. در تحقیقات محلی مشخص شد شرکت موصوف واحدی را در یکی از برج های غرب تهران اجاره کرده که این شرکت فاقد مجوزهای قانونی است. نتیجه تحقیقات انجام شده به مرجع قضائی منعکس و دستور دستگیری اعضای شرکت گرفته شد.

بیست و یکم دی ماه تیمی از کارآگاهان اداره چهاردهم به این شرکت اعزام و در یک عملیات پلیسی موفق شدند، مدیر عامل شرکت را که زن ۳۰ ساله ای بود، به همراه چهار نفر از همدستانش بازداشت کنند.

در تحقیق از متهمان دستگیر شده، هویت دو نفر از عوامل پشت پرده شناسایی و مشخص شد یکی از این عاملان، سابقه دار بوده و پیش تر با همین عنوان مجرمانه دستگیر شده است. این متهم مدتی قبل با ضمانت از زندان آزاد شده و پرونده او همچنان در حال رسیدگی است. در حالی دستگیری دو متهم اصلی پرونده در دستور کار قرار دارد که تاکنون ۱۹ نفر از مالباختگان شناسایی شده اند.

سرهنگ تقی پور، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری با اعلام این خبر گفت: «کارشناسان ارزش اموال کلاهبرداری شده را ۲۰ میلیارد ریال برآورد کرده اند.»

روایت «شهرود» از ماجرای یک سرقت مسلحانه از طلا فروشی در جوادیه

داستان اسلحه ای که معجزه زندگی دو طلا فروش شد



گفت و گو با سارق مسلح

پس از دستگیری این دزد مسلح، او در همان ابتدا به جرم خود اعتراف کرد. او در بازجویی ها گفت که اسلحه را به قیمت ۸ میلیون تومان از یکی از شهرستان ها خریداری کرده بود، بعد از آن به خاطر مشکلات مالی تصمیم به سرقت از این مغازه طلا فروشی می گیرد. او در ادامه صحنه سرقت را نیز در همان محل طلا فروشی بازسازی کرد.

اما این مجرم در ادامه اعترافات خود را انکار کرد و روایت دیگری از این سرقت را مطرح کرد. او در گفت و گو با «شهرود» روایت تازه اش از این سرقت را توضیح داد:

اولین بار است که دستگیری می شوی؟

بله. هیچ سابقه ای ندارم. اولین بار بود که سمت خلاف می رفتم، آن هم دلیل داشت. اصلا دست خود نبود، یعنی در حال خودم نبودم.

چرا؟

می خواستم خودکشی کنم. مشکلات زیادی داشتم، با همین اسلحه به سرخودم شلیک کردم، اما گیر کرد و گلوله شلیک نشد. همان طور که در خیابان های جنوب تهران راه می رفتم و ناراحت بودم، با مردی آشنا شدم. او وقتی حال خراب مرا دید، یک قرص به من داد. گفت این قرص را بخوری حالت بهتری می شود. به محض خوردن آن قرص کنترل مرا از دست دادم و

ناگهان متوجه شدم که در طلا فروشی هستم.

چرامی خواستی خودکشی کنی؟

انگیزه ای برای ادامه زندگی ام نداشتم.

اسلحه را از کجا آوردی؟

اسلحه را روی زمین پیدا کردم. وقتی داشتم در خیابان ها راه می رفتم، پایم به یک پلاستیک مشکی خورد. آن را برداشتم، دیدم داخلش یک اسلحه است. همان زمان به فکر این اقدام که خودم را خلاص کنم. اما گلوله شلیک نشد. با خودم گفتم حتما قسمت این است که زندگی کنم، برای همین منصرف شدم.

چی شد که وارد طلا فروشی شدی؟

وقتی قرص را خوردم، حال عجیبی به من دست داد. همان لحظات بود که از کنار طلا فروشی رد شدم. وارد آنجا شدم، اسلحه را به سمت آن دو نفر گرفتم، ولی مقاومت کردند. مجبور شدم شلیک کنم، اما اسلحه باز هم کار نکرد.

یعنی می خواستی قاتل شوی؟

اگر در حال خودم بودم، اصلا این کار را نمی کردم. خوشحالم که اسلحه کار نکرد. من اصلا فکر نمی کردم و از این کارها بلد نیستم. خودم هم شوکه ام، باورم نمی شود که دست به چنین کاری زده باشم.

پس از دستگیری اعتراف کردی که از قبل این نقشه را کشیده بودی.

اسلحه خراب، معجزه زندگی دو برادر طلا فروش شد و برای سارق مسلح بدشانسی آورد. سارق تحصیل کرده ای که یک سناریوی هالیوودی طراحی کرده بود تا بتواند به گنج برسد، حتی حاضر بود برای رسیدن به هدفش دست به قتل نیز بزند. ماشه را چکاند، اما گلوله شلیک نشد. او را دستگیر کردند، تنها به عنوان سارقی که در اجرای نقشه اش ناکام ماند. اگر اسلحه گیر نمی کرد، حالا او به عنوان سارق جنایتکار در مقابل مأموران پلیس قرار می گرفت. دانشجوی لیسانس رشته حقوق است، با این حال تصمیم گرفت که دست به دزدی بزند. آن هم سرقت مسلحانه از یک طلا فروشی؛ تصور می کرد که مولا ی درز نقشه اش نمی رود، ولی همه چیز آن طور که می خواست پیش نرفت. زمانی که با مقاومت برادران طلا فروش مواجه شد، ماشه را کشید. آن هم دوبار، ولی گلوله ای شلیک نشد. اسلحه خراب بود، همین مسأله باعث شد که او خیلی زود در دام مأموران پلیس گرفتار شود.

اسلحه ای که شلیک نکرد

این حادثه حدود ساعت ۱۸ روز یکشنبه، پنجم بهمن ماه جاری اتفاق افتاد. محسن که مسلح بود، نقشه سرقت از یک طلا فروشی را در منطقه جوادیه کشید. او با ماسک بهداشتی و کلاه کشی وارد مغازه شد. بلافاصله پس از ورود به داخل مغازه طلا فروشی، مالکان را به قصد سرقت با سلاح گرم تهدید کرد.

در حین این ماجرا صاحبان طلا فروشی از آلام و تجهیزات حفاظتی مانند دزدگیر در مغازه استفاده کردند. آنها به سرعت سیستم آلام را به صدا درآوردند. با به صدا آمدن سیستم دزدگیر مغازه، گشت تیم عملیاتی ۱۱۷ جوادیه که در حوالی مغازه مشغول گشت زنی بودند، وارد عمل شدند. آنها پیش از هرگونه سرقت موفق به بازداشت سارق و کشف یک کلت کمری ۹۰ فشنگ جنگی از سارق شدند.

سرهنگ «جلیل موقوفه ای» رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ درباره این ماجرا گفت: «صاحبان طلا فروشی در حین دزدی با سارق مسلح نیز درگیر شدند. آنها موفق به خلع سلاح او شده بودند. در واقع در طول سال گذشته، این دومین سرقت مسلحانه نافرجام در تهران بوده که با استفاده از تجهیزات ایمنی مذکور و حضور به موقع مأموران کلانتری منجر به ناکام ماندن این سرقت ها شده است.»



حکم متهمان پرونده آسیه پناهی صادر شد

برای دو متهم پرونده زن کرمانشاهی ۱۸ ماه حبس و پرداخت دیه برای معاون اجراییات شهرداری کرمانشاه صادر شد.

اوایل خرداد امسال بود که مأموران اجراییات شهرداری کرمانشاه برای قلع و قمع آلونکی که آسیه پناهی برای خودش و دختر و نوه اش به صورت غیرمجاز ساخته بود، به محل زندگی اش در شهرک فدک رفتند و هنگامی که می خواستند برای تخریب این آلونک اقدام کنند، با واکنش این بانو مواجه شدند.

این زن ۵۵ ساله کرمانشاهی برای جلوگیری از تخریب محل سکونت خود را به داخل چنگک بیل مکانیکی اجراییات شهرداری انداخت که با برخورد مأموران اجراییات شهرداری و به کارگیری اسپری فلفل مواجه شد. به دنبال وقوع این ماجرا مأموران شهرداری آسیه پناهی را به کمپ چشمه سفید انتقال دادند که او در مسیر انتقال به

کمپ دچار حمله قلبی شد و جانش را از دست داد.

پس از وقوع این حادثه که بازتاب بسیار گسترده ای در فضای مجازی داشت، دستگاه قضائی استان به ماجرا ورود کرد و برای مقصران اصلی حادثه تشکیل پرونده داد.

دادستان عمومی و انقلاب استان کرمانشاه در پاسخ به سوالی درباره آخرین وضعیت رسیدگی به این پرونده اعلام کرد: «پس از تشکیل پرونده قضائی برای این حادثه، بررسی کارشناسی علت اصلی فوت آن مرحومه مقداری طول کشید. با توجه به اینکه در چنین پرونده هایی علت فوت بسیار مهم است، برای همین پزشکی قانونی به لحاظ تخصصی بودن موضوع تعیین علت فوت را در این پرونده در اولویت قرار داد و نتیجه قطعی را به ما اعلام کرد.»

شهرام کرمی افزود: «طبق اعلام پزشکی قانونی آسیه پناهی در اثر سکنه قلبی فوت کرده بود، اما استرس ناشی

از عملیات شهرداری و سوء مدیریت صحنه نیز ۱۰ درصد در علت مرگ او تأثیر داشته است.»

مدعی العموم کرمانشاه تأکید کرد: «با اعلام وصول نتیجه پزشکی قانونی و تأیید تأثیر سوء مدیریت شهرداری در ماجرا و به جهت به کارگیری اسپری غیرمجاز در محل، قرار جلب صدور از ناحیه دادستان هم یک کیفرخواست صادر شد.» او افزود: «سرانجام در دادگاه بدوی شعبه کیفری ۲ حکمی مبنی بر ۱۸ ماه حبس بابت هردو اتهام علاوه بر پرداخت دیه برای معاون اجراییات شهرداری کرمانشاه صادر شد.»

کرمی گفت: «به عنوان دادستان کرمانشاه به این رأی اعتراض کردم، چراکه بازتاب اجتماعی و عملیات روانی این پرونده زیاد بود، برای همین تقاضای تشدید مجازات را داشتم، لذا پرونده به دادگاه تجدید نظر رفته و در آنجا هم حکم را تأیید کرده، اما گویا در بحث حبس قائل به تعلیق شده است.»